

# سرزمین قفقاز و مردم آن :

کوبانها ، سکاها ، آسها ، آلانها ، سرمدها ، ماساژتها ، هونها ،

خزران ، چیچن ها ، اینگوشها ، قیچاقها ، ائورسها ،

سیراک ها ، تاتار ها

پایان هزاره دویم پیش از میلاد  
و آغاز هزاره یکم دوران  
شکوفان عهد مفرغ در سرزمین  
قفقاز است . مهمترین آثار این  
عهد در گورهای کوبان<sup>۱</sup>  
بدست آمده . کوبان در دامنه  
شمالی کوههای مرکزی قفقاز  
واقع است . به سبب اشیاء  
بسیاری که در این ناحیه بدست  
آمده تمدن آن عصر سرزمین  
نامبرده را تمدن کوبان  
نامیده اند . دارندگان این تمدن  
قبایل محلی آن سرزمین  
بودند .

درسده های هفتم تا یکم پیش  
از میلاد در تمدن این سرزمین  
پیشرفتهای فراوان حاصل شد .  
بیشتر پدیده های متعلق به تمدن

Koban — سرزمین کوبان سرزمینی است که در آن آثار اقوام ایرانی بسیار پیدا شده است .

کوبان ازسده های هفتم تاچهارم پیش از میلاد در کوههای سرزمین آسها ( چمی ، گالیات ، کامونت و کومبولتا ) و حدود مزدوک<sup>۲</sup> و ولادی قفقاز ( اورجنگیدزه ) و ایستگاه زمیسکی<sup>۳</sup> بدست آمد . از گورهای کوبان مقدار زیادی اشیاء مفرغی و اسلحه پیدا شده است .

تمدن کوبان در تمدن دیگر قبایل قفقاز اثر فراوان بر جا گذاشته و نمونه هائی از هنر کوبانها تا کنون نیز موجود است اثرهای آن در نقش و نگارهای آسها بسیار دیده میشود .

تمدن عهد مفرغ کوبان حدود سده هشتم پیش از میلاد روبرو رفت و این دوره همزمان از هم پاشیدگی اجتماع اولیه در آن سرزمین بود . ازسده هفتم پیش از میلاد در قفقاز شمالی آهن جایگزین مفرغ گردید و سبب تسهیل کار مردم آن سامان و افزایش تولید و بهره برداری در کشاورزی و جنگجویی شد .

### پیدایش سکاها در سرزمین قفقاز

نخست جایگاه سکاها ، آلانها ، سرمد ( سرمت ) ها در دامنه های شمالی کوه های قفقاز و جلگه های او کراین بوده است .

سده هشتم پیش از میلاد سکاها بکرانه های شمالی دریای سیاه آمدند . گروهی از آنان به قفقاز شمالی راه یافتند . زبان ، آداب و رسوم و تمدن آنان از زبان و سنن و تمدن دیگر مردم قفقاز متمایز بود . سکاها در دشتهای بصورت کوچ نشینی میزیستند و به گله داری میپرداختند . کار آنان چوپانی و پرورش گاو و گوسفند و اسب و کوچ نشینی بود .

سکایان مردمی جنگجو بودند و اغلب بسرزمینهای گرجستان و آران و آذربایجان حمله ور میشدند . کوتاه ترین راه آنان جهت حمله بجنوب قفقاز ، کناره های جنوبی دریای مازندران و دشت اترک و اوردونا بود .

2 — Mozdouk

3 — Zmeyskiy

سکاه‌ها با کوبانها بر خوردهائی حاصل نمودند. سکاه‌ها به استفاده از چراگاههای قفقاز و راههای آنجا علاقه مند بودند. بدین جهت روابط سکاه‌ها با قبایل محلی توأم با برخورد های شدید بوده است. قبایل کوبان بتدریج با سکاه‌ها درهم آمیختند. واژه‌هاییکه از زبان سکاه‌ها بجامانده نمودار شباهت فراوان زبانهای سکائی و آسی است که هر دو از گروه زبانهای ایرانی بشمار است.

زندگی کوبانها و سکاه‌ها در یکدیگر اثر متقابل برجای گذارد و ازین آمیختگی تمدن کوچک نوینی پدید آمد که در تمدن دیگر مردم قفقاز شمالی اثر بسیار داشت و لسی بطور کلی قبایل قفقاز مردمی جنگجو بوده‌اند زیرا زندگی کسوه نشینی و هجوم قبایل مختلف یکی پس از دیگری و مرزهای شمالی ایران اقتضا میکرد که آنها مردمی جنگجو باشند.

نمونه‌هایی از این تمدن در گورکانهای ده‌چیکولا نزدیک مزدوک و دیگر سرزمینها و سرزمین آسها بدست آمده است.

نوشته‌اند در سده ششم پیش از میلاد سکاه‌ها بسرزمین آران و آذربایجان رو آوردند در کتاب منسوب به هرودت آمده است که سکاه‌ها از گذرگاه دربند گذشته بسرزمینهای جنوبی و کشور ماد تاختند.

هرودت عقیده دارد سکاه‌ها از شمال قفقاز روبه جنوب آوردند و کتزیاس عقیده دارد سکاه‌ها از خراسان و طبرستان از راه کناره دریای مازندران به آذربایجان و آران رخنه کردند.

دروقیای آخزندگانی کوروش بزرگ از درگیری او با سکاه‌ها و خواستگاری از ملکه ماسازت‌ها سخن رفته است. برخی عقیده دارند کوروش- بزرگ در جنگ با سکاه‌ها کشته شد و برخی دیگر چون «بروسوس» نوشته‌اند کوروش در جنگ با دهاء کشته شده است.

در سده سوم تا یکم پیش از میلاد نخستین بار نام سرمدها با سکاها همراه آمده است که در پدید آوردن حکومت آنها همکاری داشتند.

سرمدها بچند قبیله بخش میشدند و پیش از آمدن به غرب در دشتهای میان رود دون<sup>۵</sup> و جنوب اورال می زیستند. سرمدها از بستگان و خویشاوندان سکاها بودند در بازه نام سرمدها که در میان آسکانیز سرمد نام گذاری میکنند مورخان غربی با شتباه سرمت نوشته اند.

در سده سوم پیش از میلاد سکاها رو به ضعف نهادند و فرمانروائی شمال قفقاز بدست قبایل سرمدها - سیراکها<sup>۶</sup> و آئورسها<sup>۷</sup> افتاد.

بنابر نوشته استرابون منطقه سیراکها از دریای آزوف تا دامنه های شمالی جبال قفقاز و سرزمین آئورسها از دن تا دریای سیاه بود.

سرمدها با شاهی بسپور<sup>۸</sup> روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک داشتند و کنترل راه بازرگانی شرق به اروپا در دست آنان بود.

**آلانها در سده یکم تا پنجم میلادی** - در نیمه اول سده یکم پیش از میلاد آلانها از دامنه شمالی قفقاز بمرزهای شمالی اشکانیان تاختند فرهاد سوم پادشاه اشکانی بسر کوبی آنها شتافت و آنان را مطیع ساخت آریان به جنگ آلانها اشاره کرده است. در زمان ارد پادشاه دیگر اشکانی دیده میشود آلانها و سکاها و سرمدها (سارمات) در جنگ همراه پادشاه اشکانی بوده اند. بار دیگر در زمان بلاش اول اشکانی در سال ۷۵ میلادی آلانها گرجیها را که نگهبان داریال بودند همدست کرده بآرمستان و آران و آذربایجان تاختند و این سرزمینها دستخوش تاراج و غارت شد. بلاش پادشاه اشکانی نتوانست از آن جلوگیری نماید سه سال تمام آرمستان و آران مورد تاخت و تاز آلانها بود فلاویوس مورخ یهود در کتاب هفتم فصل ۷ بند ۲ باین واقعه اشاره کرده است.

از پایان سده یکم پیش از میلاد در جنوب شرقی اروپا نفوذ سیاسی قبایل

5 - Don

6 - Sirak

7 - Aors

8 - Bospor

نیرومند آلان افزایش یافت. آمین مارسلین مورخ رومی در سده چهارم میلادی آلانها را مردمی بلند قامت، جنگجو، خشن و چالاک نامیده است. آلانها مخلوطی از سرمدها و ائورسها بودند که در ساحل شمالی دریای مازندران میزیستند. در مآخذ چینی ائورسها را یانتسای<sup>۹</sup> نامیده اند. بطلمیوس جغرافی نگار که خواسته است ارتباط نزدیک آلانها و ائورسها را خاطر نشان سازد آنرا آلانوئورسها<sup>۱۰</sup> نامیده است.

مورخان پیشین قرابت و نزدیکی آلانها و سکاها را خاطر نشان ساخته اند. یوسف فلاوی (فلاویوس) مورخ یهودی سده یکم میلادی نوشته است: «قبایل آلان بخشی از سکاها هستند که در اطراف تانائید<sup>۱۱</sup> (دن) و دریاچه متوئید<sup>۱۲</sup> (دریای آروف) سکونت دارند». لوکیان ساموسی مورخ دیگر عهد باستان می نویسد که آلانها «از نظر گویش به سکاها نزدیکند» گاه آلانها را آلان-سکائی<sup>۱۳</sup> نیز نامیده اند.

رالین سن نوشته است: «آلانها از سکاها بوده و در کنار دریای آرف میزیستند».

آلانها و ائورسها ضمن پیکارهایی با برخی قبایل سکائی و سرمدها (سرمتها) آنرا تابع خود ساختند و بعدها همگی به یک نام آلانها که در میان قبایل نامبرده از همه نیرومندتر بودند نامیده شدند<sup>۱۴</sup> در نخستین سده های میلادی آلانها در بخش سفای رود ولگا و کرانه های دن و قفقاز شمالی میزیستند. آلانها در میان مردم اروپا و آسیاینامهای (آسها، اوسها، اوستها، ایرونیها) مشهور بودند. همه این نامها متعلق به یک مردم است و آن آلانها هستند که پیشینیان آسهای کنونی بشمار می آیند. وقتی در کتیبه های گرجی از اوس (OS)

9 -- Yantsay      10 -- Alanoors      11 -- Tanaïd      12 -- Metoid

۱۳ - ما میدانیم که آلوال بزبانهای ایرانی بمعنی کوهست و آلانها بمعنی کوهستانی است و شاید منظور سکاها کوهستانی بوده باشد.

۱۴ - آلانها و آلبان هر دو نام فارسی است بمعنی کوهبان یا کوهستانی است.

یا اوسها (OVS) سخن رفته منظور آلانها بوده است. در تاریخهای ارمنی نیز چنین آمده است. موسی خورنی از حمله گرجیان که بهمراهی آلانها بهنگام فرمانروائی اردشیر به ارمنستان (۸۷ تا ۱۰۳ میلادی) صورت گرفته یاد کرده است. درمآخذ گرجی در این باره نوشته‌هایی هست که در آن متحدان گرجی را اوس نامیده است. بدین‌روال واژه اوس درمآخذ گرجی همانند واژه آلان درمآخذ ارمنی است. گاه آلانها را نویسندگان روس و غرب‌آلبان نیز گفته‌اند نام آلبان نیز مانند آلان از زبانهای ایرانی گرفته شده و بمعنی کوهبان است. کدرین<sup>۱۵</sup> مورخ رومی سده یازدهم میلادی نوشته است که آلداهمسر بیوه گریگوری شاه آبخاز «از دودمان آلانها» بود. درمآخذ گرجی همین‌بانو را «دختر شاه اوس» نامیده‌اند. گذرگاه داریال درمآخذ گرجی به گذرگاه آسها و درمآخذ ایرانی و اسلامی به «در بند آلان» معروف است.

داریال یا داریالان بزبان پارسی همان «در آل» یا «در آلان» است یعنی در بند کوهستانی یا گذرگاه کوهی.

تا کنون واژه‌ها و جمله‌های جداگانه‌ای از زبان آلانها بجا مانده که نشانه نزدیکی آن با زبان آسها است که هر دو از زبانهای ایرانی است. از داستانهای باستان‌چنین برمی‌آید که عقاید مذهبی آلانها و آسها نیز یکی بوده و عقاید زرتشتی و مهری در میان آنها ریشه داشته است و در سده هفتم میلادی دین مسیح در میان آنها رسوخ پیدا کرد.

آگهی‌های مربوط به روابط آلانها با دیگر اقوام همسایه در فاصله سده‌های ۱-۵ میلادی بسیار مشوش و آشفته است. ولی مآخذ موجود نشان میدهد که آلانها چند بار از طریق گردنه‌های قفقاز به جنوب‌رو آورده‌اند آلانها برای گرجستان، ارمنستان، ماد و آسیای کوچک خطری بشمار می‌آمدند. نخستین آگهی درباره حمله آلانها از سده یکم میلادی است آلانها به غرب و ناحیه دانوب و مرزهای امپراطوری روم نیز حمله‌ور شدند و دیرگاهی خود از زمان

ساسانیان مرزبانان شمالی ایران در داریان بوده‌اند و گاه از آنان سربازان و نگهبانان اجیر گرفته می‌شده است .

### حمله هونها به آلان

هونها از دوران باستان در آسیای میانه در همسایگی چین زندگی ایللی و چادرنشینی داشتند . برخی از قبایل هون در نتیجه فشار دیگر قبایل به غرب روی آوردند . اواسط سده چهارم میلادی هونها به مرزهای شرقی آلان نزدیک شدند . آنها از رودهای اورال و ولگا گذشتند و به اراضی آلان حمله ور شدند و این تاخت و تاز برای مردم آلان عواقب بسیار بدی در برداشت . هونها بر سر راه خود همه چیز را به آتش کشیدند و هر کسی را که در برابر آنان مقاومت میکرد نابود می‌ساختند . آلانهائی که در حوالی دن سکنی داشتند در برابر هونها پایداری کردند و این پافشاری بنا بودی آنها کشید . چون در این زمان دیوار داریال و دربند و درهای آن بوسیله ساسانیان بر پا استوار گشته بود هونها نتوانستند بققاز و سرزمینهای جنوبی راه یابند و روبه غرب نهداند . و در هجوم آنان به غرب که به سال ۳۷۱ میلادی رخ داد گروهی از آلانهام شرت داشتند آلانهائی که با هونها به غرب رفته بودند دیگر باز نگشتند و پس از استحکاماتی که قباد و انوشیروان در قفقاز ساخته‌اند و پس از سده هفتم به بعد نیز خبری از آنان باقی نمانده است .

در نواحی که آلانهائی زیستند در کناره‌های وسطای دانوب ، هالی و افریقای شمالی گورهائی کشف شده است که اشیاء آنها نشان میدهد متعلق به آلانهای کریمه و قفقاز بوده است . بسیاری از آلانها پس از هجوم هونها به دامنه‌های جنوبی کوههای قفقاز سر از یر شدند . مورخان روسی نوشته‌اند اینها پیشینیان مردم آسهای جنوبی بودند .

### ۱ - آلانها در سده‌های پنجم و هشتم میلادی

در فاصله سده‌های پنجم و هشتم میلادی آلانها اراضی وسیعی از قفقاز

شمالی را در تصرف داشتند. سرزمین آنها از دامنه‌های شمالی سلسله جبال بزرگ قفقاز تا مسیر سفلی رود دن و کرانه دریای آزوف کشیده شده بود. از پایان سده پنجم میلادی تا اواسط سده هفتم با «بلغارستان بزرگ» که تا حوزه دریای آزوف امتداد داشت هم‌مرز شدند. گمان میرود (بلغارهای سیاه) یا (بالکارها) همان تیره‌ای باشند که اکنون در شمال کوه‌های قفقاز زندگی میکنند و جمهوری آنان بنام جمهوری خودمختار کاباردینوبالکار نامیده میشود.

جمهوری کاباردینوبالکار از دو قوم کاباردا و بالکار ترکیب یافته است ایندو قوم از یکدیگر جدا و متمایزند.

در دهه هشتم سده ششم خاقانهای ترک آسیای میانه به آلانها حمله ور شدند. و بخش قفقاز شمالی از سرزمین آلانها وابسته آنان گردید. ولی این وابستگی کوتاه مدت بود. در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم حکومت خاقانی ترک از هم پاشیده شد.

در سده هفتم پس از پاشیدگی «بلغارستان بزرگ» خاقانهای خزر با آلانها هم‌مرز شدند.

این عوامل نشانه آنستکه مرزهای شمالی آلان ناپایدار و همواره دستخوش دگرگونی و تاخت و تاز قبایل بود. از سوی غرب آلان با کاسوگامی (کاباردینها) و بلغارهای سیاه (بالکارها) هم‌مرز بودند.

آلانها از جنوب نیز با گرجستان هم‌مرز بودند. در شرق آلانها با سرزمین چین و اینگوش (اینقوش) و قبایل داغستان هم‌مرز بودند.

اشتغال آلانها مرزبانی و نگهبانی دربنداریان و گذرگاههای کوهستان شمالی قفقاز بود و بیشتر سپاهیگری و انسدکی هم‌بدم‌داری و کشاورزی اشتغال داشتند گذشته از آن آلانها اندکی پیشه‌وری و داد و ستدهای کوچک داشتند. داد و ستد آلانها بیشتر با ایرانیان و مردم قفقاز مانند گرجیها و آرانها و دیگر اقوام و ملتها بود. اشیائی که از زیر خاک بیرون آمده، از جمله



زینت آلات و سکه‌ها و جنگ افزارهای ایرانی و روم شرقی و پارچه‌های ابریشمی و غیره گواه این مدعا است .

در سده هشتم میلادی پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانی در سرزمین قفقاز نیز اغتشاشهایی پدید آمد و پیدایش دولت آلان‌ها آغاز گردید که ابتدا به شکل اتحاد قبایل بود . تئوفان مورخ بیزانسی (۷۰۹ میلادی) در آثار خود از شاه آلان بنام ایتاز<sup>۱۶</sup> یاد کرده است که بتحریر دولت بیزانس به آبخاز<sup>۱۷</sup> حمله ور گشت .

### آلانها در سده‌های نهم تا یازدهم میلادی

در این دوره سرزمین آلانها کوچکتر شد سرزمینهایی را در مرزهای شمالی آلانها از دست دادند و بخش بزرگی از دشتهای شمالی آلانها را خاقانهای خزرم تصرف شدند. بخشهای شرقی و غربی و جنوبی نیز دستخوش دیگر گونیهائی گشت ولی این دیگر گونیها چندان قابل ملاحظه نبود .

در این زمان پیشه و صنعت در میان آلانها بسط و توسعه یافت. آلانها مانند گذشته با ایران و گرجستان و روم شرقی و کشورهای نزدیک و همسایه به داد و ستد میپرداختند.

از زمان فرمانروائی آلانها نوشته خطی نمانده است ولی آنها مردمی جنگجو و نگهبانان گذرگاههای کوهستانی قفقاز بوده‌اند .

مسهودی در نوشته‌های خود از شماره لشکریان آلان سخن رانده است در نوشته‌های گرجی نیز از شاهان و سپاهیان آلان در سده‌های یازدهم تا سیزدهم یاد شده است .

### آلانها در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی

سرزمین آلانها در آغاز سده ۱۲ میلادی - سرزمین آلانها در پایان سده ۱۱ و آغاز سده ۱۲ سرزمینی بود وسیع در شمال قفقاز . مرزهای سرزمین

۱۶ - Itaz

۱۷ - آبخاز را در متون اسلامی انجام نیز نوشته‌اند

آلانها بیشتر از شمال مورد تهدید هونها، روسها، خزران و قبایل ترك بود. پس از انهدام خزران در سده دهم میلادی مرزهای شمالی آلان باز از جانب شمال پیشرفت و به کرانه‌های دریای آزوف و دشتهای دن و بخش سفلی رود ولگا رسید. و بخشی از سرزمین شمالی آنها در این زمان در مجاورت دولتهای ملوک الطوائفی قبایل روس قرار گرفت.

در سده یازدهم میلادی قبچاقها در دشتهای شمال قفقاز پدیدار شدند و آلانها را زیر فشار گذاردند.

افزار و وسایل کار آلانها در این دوره تیر، خنجر، پیکان، شمشیر، چاقو، داس، سوزنهای برنزی، قیچی، و غیره بود ساختمان این اشیاء بمراتب بهتر از اشیاء متعلق به سده‌های پیشین بوده است. آلانها در تهیه زیور نه تنها از آهن و مس بلکه از نقره و طلا نیز استفاده میکردند. این امر نشانه آنست که آلانها در کار کردن با فلز گامهایی فراتر نهاده بودند ازین جهت هنرهای دستی آنها بویژه طلا و نقره و فلزات شباهتی با آثار سکاها دارد.

### ناخت و تاز مغولها و تاتارها بقفقاز

در سال ۱۲۲۲ میلادی مغولها و تاتارها از طریق گذر گاه دربند به سرزمین آلانها درآمدند. یکی از علل شکست آلانها خیانت متحدانشان (قبچاقها) بود که تطمیع شده در مقابل وعده پول و پوشاک اتحاد خود را با آنها بهم زدند. مغولها و تاتارها بسیاری از آلانها را به اسارت گرفتند و به اراضی شمالی فرستادند در سال ۱۲۲۳ میلادی در کنار رود کالکی بیسکار بزرگی میان مغولها و تاتارها از یکسو و قبایل روس از دگرسودر گرفت. در این پیکار مغولها و تاتارها پیروز شدند.

در آن زمان میان فرمانروایان و سران روس اتحادی وجود نداشت. پس از این پیکار مغولها و تاتارها بر سر زمینهای پشت کسوه‌های قفقاز نیز دست یافتند.

در سال ۱۲۳۹ میلادی مغولها و تاتارها با شکست فرمانروایان ولگا - کامای بلغار و چند فرمانروای روس دوباره بسوی سرزمین آلان سرازیر شدند و آن سرزمین را از مردم خالی ساختند و کشتار عظیمی براه انداختند.

دوران اسارت متمادی قفقاز شمالی از جمله آلان از سوی مغولها و تاتارها آغاز گشت. مغولها مردم قفقاز را به سپاهگیری واداشتند و اندوخته و دسترنج و خانه و زندگی آنها دستخوش غارت و چپاول گردید.

آلانها که بدلیبری و جنگجویی معروف هستند در برابر مهاجمان بیگانه سخت پایداری کردند. ولی تنها بخش کوهستانی آلان توانست استقلال خود را محفوظ دارد و سرزمین آلانهای ساکن دشتها در اشغال مغول و تاتارها در آمدند. مغولها و تاتارها چندین بار به آلانهای ساکن کوهستان نیز حمله ور شدند اما بر آنها دست نیافتند.

بیشتر خانهای آلان به حاکمیت مغولان گردن نهادند و آنها گروهی از آلانها و آسها را به مغولستان و بسیاری را به کریمه، مولداوی و عده‌ای را نیز به مجارستان و بالکان کوچ دادند. با این وصف در کوهها و دشتهای مرکزی قفقاز شمالی عده ناچیزی از آلانها و آسها باقی ماندند.

در پایان سده چهاردهم میلادی و آغاز سده پانزدهم سرزمین آلانها میدان پیکارهای خونین میان لشگریان خان «قرل اردا» و لشگریان تیمور قرار گرفت. در سال ۱۳۹۵ میلادی در اراضی آلان در ناحیه جولات پائین پیکار شدیدی میان سپاهیان تیمور و لشگریان توختامیش در گرفت که در آن نبرد تیمور پیروز شد.

سپاهیان تیموری پس از تصرف سرای که پایتخت قرل اردا بود و انهدام لشگریان آرزوف به سمت جنوب و ناحیه شمال غربی قفقاز تاختند. این لشکر - کشی سبب تجزیه سرزمین آلان گشت. در آغاز سده پانزدهم میلادی سپاهیان

تیمور پس از کشتار مهیب در گرجستان باز به سرزمین آلان‌ها تاختند و آنرا مورد نهب و غارت و کشتار شدید قرار دادند.

اندک گروهی از آلانها که توانستند از حمله سپاهیان تیمور جان سالم بدر برند با دشواری تمام خود را به نواحی سخت گذر کوهستانی کشاندند و در آنجا بزندگی دشوار خود ادامه دادند. ازین پس کشاورزی و صنعت و بازرگانی آلانها دستخوش انحطاط و انهدام گشت. بسیاری از آثار فرهنگی این سرزمین ویران گشت و سرزمین آلانها بسیار کوچک شد. سرزمین آلان در پایان سده پانزدهم بطور کلی به چهار دره: دیگورا، کورتاتین، آلگیر و تاگائور محدود می شد.

در زمان صفویان در قفقاز و سرزمین آلانها امنیت و آرامشی پیدا شد در اواخر صفوی بواسطه جنگهای ایران و عثمانی چند بار عثمانیها و پس از آن روسها به سرزمین آلانها<sup>۱۸</sup> و قفقاز راه یافتند تا در زمان نادر شاه که جنگهای داغستان پیش آمد و مدتی در آن سرزمین نیز وضع آرام نبود در دوره آقامحمدخان و آغاز قاجار نیز تا زمان جنگهای ایران و روس گرجستان و مناطق شمالی آن از حکومت مرکزی پیروی میکرد. وقایع بعد از پیمان ترکمان چای نیازمند پژوهش دیگری است.

پرتال جامع علوم انسانی

۱۸- گذشته از معنی ال و آل که گفته شد بمعنی کوه است و از آلان گذشته‌ای است از واژه آران و واژه اران گذشته‌ایست از واژه آران که بفارسی میانه تغییر شکل داده است.



پروفیسر شہباز گل علم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہباز گل علم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی